

بررسی تطبیقی نظریه هوش اخلاقی حضرت علی (ع) در نهج البلاغه با نظریه فضیلت‌های اخلاقی مشترک ادیان (دالسگارد، پیترسون و سلگمن) و اصول هوش اخلاقی (لنیک و کیل) [◇]

کریم سعید شعبانلو¹؛ ناصر بهروزی²
منیجه شهنی بیلاق³؛ مسعود صفایی مقدم⁴

چکیده

هدف: هدف این پژوهش ارائه نظریه هوش اخلاقی حضرت علی (ع) در نهج البلاغه و بررسی تطبیقی آن با نظریه فضیلت‌های اخلاقی مشترک ادیان (دالسگارد، پیترسون و سلگمن) و اصول هوش اخلاقی (لنیک و کیل) بود. **روش:** این پژوهش، کیفی و مبتنی بر روش نظریه داده‌بنیاد بوده و جامعه تحقیق، فرمایشات امام علی (ع) در نهج البلاغه است. برای جمع‌آوری داده‌ها، مفاهیم مرتبط با هوش اخلاقی، فیش‌برداری و کدبندی و بر حسب ویژگی‌های مشترک، دسته‌بندی شد. سپس نظریه هوش اخلاقی حضرت علی (ع) ارائه و با نظریه فضیلت‌های اخلاقی مشترک ادیان (دالسگارد، پیترسون و سلگمن) و اصول هوش اخلاقی (لنیک و کیل) مقایسه شد. **یافته‌ها:** در نظریه هوش اخلاقی حضرت علی (ع)، هوش اخلاقی در سه بعد الهی، درون‌فردی و برون‌فردی ارائه شد. مؤلفه‌های هوش اخلاقی در بعد الهی عبارتند از: تقوای الهی، عدم دنیاگرایی، یقین، اخلاص و سپاسگزاری؛ در بعد درون‌فردی عبارتند از: خردورزی، تواضع و فروتنی، عفت و حیا، صداقت، صبر و شکیبایی و در بعد برون‌فردی عبارتند از: محبت و احترام، همدلی، عدالت و انصاف، ایثار و از خودگذشتگی، بخشش و وفای به عهد. **نتیجه‌گیری:** نظریه هوش اخلاقی حضرت علی (ع) جامع‌تر از نظریه دالسگارد، پیترسون و سلگمن و اصول هوش لنیک و کیل است و بسیاری از مؤلفه‌های آن از قبیل فضیلت و ارزشهای تقوای الهی، عدم دنیاگرایی، یقین و اخلاص که پایه و اساس سایر ارزشها و اصول هوش اخلاقی‌اند، در نظریه‌های مزبور مد نظر قرار نگرفته‌اند.

واژگان کلیدی: هوش اخلاقی، حضرت علی (ع)، دالسگارد، پیترسون و سلگمن، لنیک و کیل.

◇ دریافت مقاله: 96/12/12؛ تصویب نهایی: 97/08/05.

1. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
2. دکتری روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز؛ دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول) / نشانی: اهواز؛ دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران / شماره: 06133920862 / Email: behroozyn@yahoo.com
3. استاد تمام گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
4. استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

الف) مقدمه

موضوع اخلاق، به ویژه از اواخر قرن بیستم، اولویت و اهمیت خاصی پیدا کرده است؛ چرا که برای همه انسانها، شناختن اصول رفتار درست برای خوب زیستن، نقش اساسی دارد. از دیدگاه دفت¹ (1992) اخلاق عبارت است از قاعده اصول اخلاقی و ارزشهایی که بر رفتار فردی یا جمعی با عنوان درست یا غلط بودن، حاکمیت دارد. هوش اخلاقی² یکی از فرایندهای یادگیری، احساسی و هوش اجتماعی³ است که توسط بوربا⁴ (2005) در روان‌شناسی وارد شده است. وی هوش اخلاقی را ظرفیت و توانایی درک درست از نادرست، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آنها و رفتار در جهت صحیح و درست تعریف می‌کند. از نظر لنیک و کیل⁵ (2005) هوش اخلاقی عبارت است از ظرفیت روانی برای تعیین این امر که چگونه اصول جهان‌شمول اخلاق انسانی باید در ارزشها، اهداف و عملکردهای ما به کار گرفته شوند. در ارتباط با مفهوم هوش اخلاقی، سما و شوف⁶ (2008) مدلی برای رهبری اخلاقی و حرفه‌ای فراهم کردند که بر پنج مفهوم اساسی اعتماد، انسجام، تعامل خودتنظیمی و درستکاری اخلاقی در انجام شغلها تأکید دارد. گرچه هوش اخلاقی شامل ابعاد هوش بین فردی⁷ (توانایی شناخت نیات، احساسات و انگیزه‌های دیگران) و هوش درون فردی⁸ (توانایی درک خود و استفاده از این اطلاعات برای نظم بخشیدن به زندگی خود) بوده و با هوش اجتماعی و هیجانی⁹ نیز مرتبط است، اما متفاوت با همه آنهاست (رودنی، 2009). اصول هوش اخلاقی، از سوی دانشمندان متعدد با نامهای مختلفی بیان شده است؛ از جمله: استانداردهای مشترک اخلاقی، ارزشهای اخلاقی جهان‌شمول، فضیلت اخلاقی مشترک، اصول هوش اخلاقی و اخلاقیات جهان‌شمول. بوربا (2001) هفت فضیلت ضروری را برای توسعه هوش اخلاقی لازم می‌داند که عبارتند از: همدلی، وجدان، خویشتنداری، احترام، مهربانی، بردباری و انصاف. تیلر¹¹ (2013) هوش اخلاقی را پایه و اساس موفقیت انسان می‌داند. لنیک و کیل (2011) نیز هوش اخلاقی را در بر گیرنده چهار بعد اصلی، شامل درستکاری،¹² مسئولیت‌پذیری،¹³ بخشش¹⁴ و دلسوزی¹⁵ معرفی می‌کنند.

1. Daft
2. Moral Intelligence
3. Social Intelligence
4. Borba
5. Lennick & Kiel
6. Sama & Shoaf
7. Interpersonal
8. Intrapersonal
9. Emotional Intelligence
10. Rodney
11. Tyler
12. Integrity
13. Responsibility
14. Forgiveness
15. Compassion

549 ◆ بررسی تطبیقی نظریه هوش اخلاقی حضرت علی(ع) در نهج البلاغه با نظریه ...

تأکید بر ارزشها، فضیلتها و اصول هوش اخلاقی، از مشترکات ادیان توحیدی است. پایه و اساس بسیاری از ارزشها در بین فضایل اخلاقی، صداقت و راستی است؛ که بارها در کتب مقدس یهود بر آن تأکید شده است (حمای، 1388). از نظر مسیحیان، اخلاق و پرستش خداوند، تفکیک ناپذیرند و پیروی از خدا، مستلزم اطاعت از اوست (شانظری و زارعان، 1390). در اسلام نیز رعایت مؤلفه‌های هوش اخلاقی از دیرباز مورد توجه پیشوایان دین بوده است. ائمه معصومین(ع) در مقام ایفای نقش دینی خود، اهمیت ویژه‌ای به تدوین، نشر و طرح مباحث اخلاقی داده‌اند. فوزیه و همکاران¹ (2012) با ارائه مدل شخصیت اخلاقی فرد مسلمان،² ویژگی‌های شخصیتی فرد مسلمان یا متقی را در هشت گروه ذیل دسته‌بندی کرده‌اند: همکاری و تعاون، تلاش با ثروت خود یا ایثار، صلح و آشتی، خیرخواهی داوطلبانه، درستکاری، عمل به وعده‌ها، بخشش و استقامت. مختاری پور و سیادت (1388) با بررسی مقایسه‌ای ابعاد هوش اخلاقی از دیدگاه دانشمندان با قرآن کریم و ائمه معصومین، نشان دادند که در قرآن کریم و سخنان ائمه، به هوش اخلاقی توجه شده است. احمدی فراز (1391) طی پژوهشی به بررسی رابطه مفاهیم دعای مکارم‌الاخلاق امام سجاد(ع) با بهداشت روانی و اصول هوش اخلاقی پرداخته است. امیری و دهقانی زنگنه (1392) نیز طی پژوهشی، با بهره‌گیری از راهبرد نظریه داده‌بنیاد متنی، به تدوین نظریه رهبری اخلاقی بر مبنای سیره نبوی پرداختند. رشیدآبادی و پارسا (1393) نیز به بررسی و مقایسه دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی و بوربا در زمینه تربیت هوش اخلاقی کودکان پرداخته‌اند. همچنین منطقی و همکاران (1393) به مطالعه دیدگاه اسلام درباره کارکردهای هوش اخلاقی در سازمان پرداختند. رحمانی‌زاد و طباطبایی (1394) نیز طی پژوهشی ضمن بررسی هوش اخلاقی از نگاه بوربا، لنینک و کیل و مقایسه آن با دیدگاه قرآن کریم، به تبیین سبک زندگی دینی پرداخته، نشان داده‌اند که هوش اخلاقی در زندگی انسان و ترسیم سبک زندگی اسلامی برای رسیدن به سعادت تأثیر دارد. یافته‌های پژوهش بردبار و همکاران (1394) در خصوص استخراج سنجه‌های هوش اخلاقی از متون دینی، نشان داد که سنجه «رازداری» و «خوش‌حُلقی» رتبه‌های اول را به خود اختصاص داده‌اند. ارشاد حسینی و همکاران (1394) طی پژوهشی بنیادی به ساخت آزمون اولیه هوش اخلاقی بر اساس منابع اسلامی پرداختند. آنان مؤلفه‌های هوش اخلاقی را بر اساس معیارهای مکارم، محاسن و معالی در حوزه اخلاق احصا و سپس آزمون اولیه محقق‌ساخته را به همراه آزمون هوش اخلاقی³ اجرا کردند.

جمع‌بندی پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد آنچه در حوزه اسلامی درباره هوش اخلاقی مورد توجه است، متفاوت از مطالعات غربی بوده، برگرفته از اعتقادات و اخلاق اسلامی، یعنی بر مبنای قرآن، سیره و روایات معصومین(ع) است. فرمایشات حضرت علی(ع)، بعد از قرآن و فرمایشات پیامبر(ص)،

1. Fawziah, Al-Ammar, Ahmed & Sahari
2. Moral Characters of Muslim Personality (MCMP)
3. MCI

غنی‌ترین منبعی است که از فصاحت و بلاغت بالایی برخوردار بوده، مملو از اخلاقیات جهان‌شمول و اصول هوش اخلاقی است. از آن امام همام نقل است که فرمودند: «الحلم تمام العقل»؛ تمامیت خردورزی در بردباری است. در این کلام موجز، چنانچه خرد نماد هوش و فرهیختگی و بردباری نشانه‌ای از اخلاق و فرزانه‌گی در نظر گرفته شود، مفهوم «هوش اخلاقی» در وسیع‌ترین و عمیق‌ترین مفهوم خود نمایان می‌شود (بهرامی و همکاران، 1391). با عنایت به آنچه ذکر شد، محققان در این مقاله در نظر دارند اصول هوش اخلاقی از نگاه حضرت علی (ع) را استنباط، استخراج و تبیین کرده، نظریه هوش اخلاقی از دیدگاه آن بزرگوار را ارائه دهند. سپس آن را با فضیلت‌های اخلاقی مشترک ادیان دال‌سگارد، پیترسون و سلینگمن¹ و اصول هوش اخلاقی لنینک و کیل مقایسه کنند.

این پژوهش در نوع خود منحصر به فرد بوده، از اهمیت زیادی برخوردار است. یافته‌های این پژوهش می‌تواند با ارائه نظریه هوش اخلاقی امام علی (ع)، به منظور تولید محتوای آموزشی در موضوع سبک زیست اخلاقی و ترویج مفاهیم هوش اخلاقی مبتنی بر آموزه‌های دین مبین اسلام استفاده شود.

ب) روش تحقیق

روش این پژوهش، کیفی و از نوع نظریه داده‌بنیاد است. این روش عبارت است از فرایند ساخت یک نظریه مستند و مدون از طریق گردآوری سازمان‌یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی مجموعه داده‌های گردآوری شده به منظور پاسخگویی به پرسش‌های نوین در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین هرگونه فرضیه و آزمون آن هستند (نصوریان، 1386). روش نظریه داده‌بنیاد که مبتنی بر رویکرد پارادایم طبیعت‌گرایانه است، از روشهایی است که قابلیت به کارگیری در تحقیقات اسلامی را دارد (بهرامی و همکاران، 1390). هدف نهایی این راهبرد، ارائه تبیین‌های جامع نظری درباره یک پدیده خاص است (استراوس و کوربین، 1387). لذا نظریه‌پردازی داده‌بنیاد می‌تواند «نظریه» تولید کند. (دانا‌ی‌فرد و امامی، 1386)

در این پژوهش با بهره‌گیری از روش نظریه داده‌بنیاد مبتنی بر استقرا، به جای آزمودن نظریه‌ها و مدل‌های ارائه شده در زمینه هوش اخلاقی، مدلی جدید، بومی و برگرفته از کلام حضرت علی (ع) طراحی شده است. لذا سعی شده با تحلیل کلام حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه، نظریه هوش اخلاقی از دیدگاه آن امام همام ارائه شود. جامعه پژوهش، متن کتاب نهج‌البلاغه است که با انتخاب و تدوین سید رضی در سال 400 هجری قمری جمع‌آوری شده است. برای جمع‌آوری داده‌ها، پژوهشگر با مطالعه کتاب مذکور، داده‌های مرتبط با هوش اخلاقی را فیش‌برداری، احصا و سپس با کدبندی آنها، داده‌ها را بر حسب

1. Dahlsgaard, Peterson & Seligman

بررسی تطبیقی نظریه هوش اخلاقی حضرت علی(ع) در نهج البلاغه با نظریه ... ♦ 551

ویژگی‌های مشترک، دسته‌بندی کرده و به بررسی روابط بین متغیرها پرداخته است. محقق با این کار به مقوله‌های محوری «الگو و اصول هوش اخلاقی» دست یافته و با اتکا به آنها، نظریه هوش اخلاقی حضرت علی(ع) را ارائه کرده است. فرایند روش تحقیق داده‌بنیاد به شرح نمودار ذیل است.



برای تأمین روایی پژوهش کیفی، ماکسول¹(1387)، انواع روایی توصیفی،² تفسیری³ و نظری⁴ را مطرح می‌کند. به منظور تأمین روایی توصیفی پژوهش حاضر، فیش‌برداری از نهج البلاغه توسط سه مشاهده‌گر صورت گرفته است. برای تأمین روایی تفسیری، پژوهشگر سعی کرده است با بهره‌گیری از تمام منابع موجود در این خصوص اندیشه امام علی(ع) را درک و بیانی معتبر از این دیدگاه ارائه کند. به منظور تأمین روایی نظری، نظریه هوش اخلاقی حضرت علی(ع) با فضیلت‌های اخلاقی مشترک ادیان دالسگارد، پیترسون و سلیگمن و اصول هوش اخلاقی لنینک و کیل مقایسه شده است تا میزان سازگاری آن با الگوی نظری و وجوه اشتراک و افتراق آنها مشخص شود. با پذیرش معیارهای امانت‌داری، باورپذیری و قابل دفاع بودن، به عنوان شاخص روایی تحقیق کیفی، این تحقیق به دلیل نقل احادیث از نهج البلاغه دارای شاخص امانت‌داری بوده و به دلیل انتساب داده‌ها به کلام معصومین(ع) و منبع عصمت و علم الهی، هر دو شاخص باورپذیری و قابل دفاع بودن را در حد بسیار بالایی داراست. از آنجا که پایایی بیانگر پایداری و تشابه نتایج اندازه‌گیری است، ممیزی تحقیق را می‌توان به منزله روش خوبی برای بهبود قابلیت اطمینان پیشنهاد کرد و آن عبارت است از بررسی فرایند محصول تحقیق توسط داوران برای تعیین سازگاری آنها(مایز و پوپ، 2002).

1. Maxwell
2. Dwscriptive Validity
3. Interpretative Validity
4. Theoretical Validity
5. Mays & Pope

552 ♦ فرهنگ در دانشگاه اسلامی 29

به دلیل بهره‌مندی مستمر از نظر خبرگان حوزوی و دانشگاهی در کلیه مراحل تحقیق، پایایی مورد انتظار برای پژوهش به خوبی تضمین و برآورد شده است.

جدول 1: نمونه‌ای از کدگذاری باز

مفهوم	ترجمه حدیث	شناسه
احساس مسئولیت	ای مردم! همه افراد جامعه در خشنودی و خشم شریک‌اند. (خطبه 201)	R1
یاری مظلومان	خدا رحمت کند آن کس را که حقّی را بنگرد و یاری کند، یا ستمی مشاهده کرده، آن را نابود سازد و حق را یاری داده، تا به صاحبش بازگردد. (خطبه 205)	R2
همسویی با فقرا	خداوند بر پیشوایان حق، واجب کرده که خود را با مردم ناتوان همسو کنند، تا فقر و نداری، تنگدست را به هیجان نیاورد و به طغیان نکشاند. (خطبه 209)	R3
نصیحت / همکاری	بر شماسست که یکدیگر را نصیحت کنید و نیکو همکاری نمایید. (خطبه 216). یکی از واجبات الهی، یکدیگر را به اندازه توان نصیحت کردن و برپاداشتن حق و یاری دادن به یکدیگر است. (خطبه 216)	R4
ابراز عواطف	امام (ع) در نامه‌ای به فرزندش امام حسن (ع) می‌فرماید: تو را دیدم که پاره تن من، بلکه همه جان منی، آنگونه که اگر آسیبی به تو رسد به من رسیده است، و اگر مرگ به سراغ تو آید، زندگی مرا گرفته است. پس، کار تو را کار خود شمردم، و نامه‌ای برای تو نوشتم، تا تو را در سختی‌های زندگی رهنمون باشد. (نامه 31، 3)	R5
همدلی عاطفی	خطاب به امام حسن (ع): ای پسر من آنچه را برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را برای خود نمی‌پسندی برای دیگران مپسند؛ ستم روا مدار آن گونه که دوست نداری به تو ستم شود؛ نیکوکار باش آنگونه که دوست داری به تو نیکی کنند. (نامه 31، 28)	R6
دلجویی	با ناتوانان فروتنی در پیش گیر. (نامه 31)	R7
همدردی با یتیمان	یتیمان را نوازش کن و زمین گیر شدگان و سالخورده‌گان را دلجویی نما. بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند و در آن وقت اختصاصی، خودت فارغ از هر کاری به امور آنان پرداز. (نامه 31)	R8
همدلی عاطفی	تو را در ادب کردن نفس همان بس که از آنچه انجام دانش را برای دیگران نمی‌پسندی پرهیزی. (حکمت 365)	R9
همسویی با فقرا	چه نیکوست فروتنی توانگران در برابر مستمندان، برای به دست آوردن پاداش الهی و نیکوتر از آن، خویشتن داری مستمندان در برابر توانگران، برای توکل به خداوند است. (حکمت 406)	R10

جدول 2: نمونه‌ای از کدگذاری محوری مؤلفه‌ها

مؤلفه‌ها	مفاهیم	کدگذاری باز شناسه
تقوای الهی	خویش‌داری + پرهیزگاری + مبارزه با نفس + محاسبه نفس + مبارزه با هوای نفس + تقوا + ترس از خدا + سرکوبی شهوت + سرزنش نفس + عیب‌شناسی نفس + دوری از شیطان + مهار نفس + پارسایی	R1+R2+R3+R4+R5+...
عدم دنیاگرایی	ترک دنیا + مذمت دنیا + ریاضت + پرهیز از دنیاپرستی + پرهیز از حرص + روی‌گردانی از مظاهر دنیا + ترک آرزوها + چشم‌پوشی از دنیا + بی‌اعتنایی به دنیا + توصیف دنیا + دنیاپرستی + پستی دنیا + عبرت‌گیری از دنیا + وسیله بودن دنیا	R1+R2+R3+R4+R5+...
یقین	بینش + پرهیز از شک + اعتقاد راستین + علم جوی + یقین + آگاهی + دوراندیشی + بینایی + عبرت‌آموزی + درست‌اندیشی + پرهیز از تردید + حکمت	R1+R2+R3+R4+R5+...
اخلاص	اخلاص + اعتقاد خالص + نیت خالص + اخلاص در دعا + دوری از خودپسندی + اصلاح درون + خالص نمودن عمل + خالص + پرهیز از ناخالصی + خلوص نیت + خالص بودن	R1+R2+R3+R4+R5+...
سپاسگزاری	شکر + شکرگزاری + پرهیز از ناسپاسی + سپاس + سپاسگزاری + نهی از ناسپاسی	R1+R2+R3+R4+R5+...
خردورزی	اندیشه‌ورزی + پرسش + عقل + قلب + دوراندیشی + حکمت + دانایی + آموختن + عبرت‌آموزی + پرهیز از شک + پرهیز از نادانی + دوری از بی‌خردان + یادگیری + پرهیز از جهالت	R1+R2+R3+R4+R5+...
تواضع و فروتنی	تواضع + پرهیز از خودبزرگ بینی + فروتنی + پرهیز از غرور + پرهیز از خودپسندی + پرهیز از خودبینی + تحقیر خود + پرهیز از تکبر + مذمت خودپسندی + آفت غرور + پرهیز از فخر فروشی + غلبه بر کبر + خشوع	R1+R2+R3+R4+R5+...
عفت و حیا	پاکیزگی + عقیف + حجاب + حیا + شرم + عفت + پاکدامنی + آبرو + پاکدامن	R1+R2+R3+R4+R5+...
صداقت	راستی + راستگویی + درستکاری + پرهیز از دروغ + درستی + ادای امانت + صداقت + پرهیز از سخن باطل + صداقت در عمل + عمل درست	R1+R2+R3+R4+R5+...
صبر	تحمل مشکلات + استواری + مقاومت + بردباری + شکیبایی + حلم + استقامت + عدم سستی + پرهیز از خشم + صبر + تحمل سختی‌ها + پرهیز از شتاب و عجله + تحمل مصیبت‌ها + درنگ	R1+R2+R3+R4+R5+...
محبت و احترام	احترام + عدم عیبجویی + عطف + خوش اخلاقی + خوش رفتاری + تمجید + ارزش‌گذاری + ادب + دوستی + محبت + مدارا + حسن ظن + مهربانی + نرم‌خویی + عدم خشونت	R1+R2+R3+R4+R5+...

همدلی	احساس مسئولیت + یاری مظلومان + همسویی با فقرا + نصیحت /همکاری + ابراز عواطف + همدلی عاطفی + دلجویی از ضعفاء + همدردی با یتیمان و ضعیفان + همسویی با فقرا	R1+R2+R3+R4+R5+...
ایثار و از خودگذشتگی	احسان + صدقه + بخشش + سخاوت + صدقه + بذل جان و مال + انفاق + کمک به مستمندان + یاری مستمندان + یاری نیازمندان	R1+R2+R3+R4+R5+...
بخشش	عفو + بخشش + گذشت + نادیده گرفتن عیوب + پرهیز از انتقام + درگذشتن از لغزش + بخشندگی + احسان + پرهیز از کیفر	R1+R2+R3+R4+R5+...
عدالت و انصاف	عدالت + حکم عادلانه + پرهیز از ستم + عدم تبعیض + مبارزه با ظالم + اجرای داد + دادرسی + پرهیز از غضب بیت المال + پرهیز از ظلم + مساوات + انصاف + داوری نیکو + رعایت حقوق	R1+R2+R3+R4+R5+...
وفای به عهد	وفای به عهد + پرهیز از پیمان شکنی + پرهیز از خیانت + عمل به پیمان + پرهیز از خلف وعده + پاس داشتن عهد + وفاداری + عدم وفاداری به خیانتکاران + وفاداری به پیمان فطرت + احساس مسئولیت + پیمان الهی + انجام وظیفه + مسئولیت پذیری + خیانت به امانت	R1+R2+R3+R4+R5+...

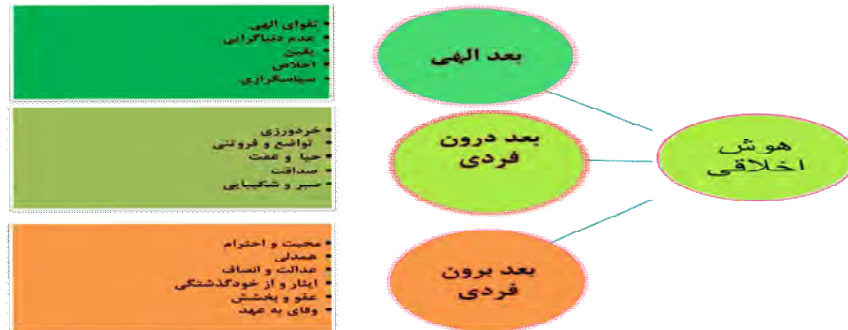
جدول 3: کدگذاری انتخابی ابعاد نظریه

متغیر وابسته (موضوع)	ابعاد	مؤلفه‌ها
هوش اخلاقی حضرت علی (ع)	بعد الهی	تقوای الهی، عدم دنیاگرایی، یقین، اخلاص و سپاسگزاری
	بعد درون فردی	خردورزی، تواضع و فروتنی، عفت و حیا، صداقت و صبر
	بعد برون فردی	محبت و احترام، همدلی، عدالت و انصاف، ایثار و از خودگذشتگی، بخشش، و وفای به عهد

ج) یافته‌ها

ماهیت هوش اخلاقی به دو تا از هوشهای اصلی گاردنر (درون فردی و میان فردی) و هوش معنوی¹ مرتبط است (رودنی، 2009). مفهوم هوش معنوی در ادبیات آکادمیک روان‌شناسی، اولین بار توسط استیونز² (1996) و بعد توسط امونز³ (1999) مطرح شد. با عنایت به این ارتباط، اصول هوش اخلاقی از دیدگاه حضرت علی (ع) در سه بُعد الهی، درون فردی و برون فردی تقسیم‌بندی و ارائه می‌شود.

1. *Spiritual Intelligence*2. *Stevens*3. *Emmons*



نمودار 2: هوش اخلاقی از دیدگاه حضرت علی (ع)

1. بُعد الهی هوش اخلاقی

همانگونه که رودنی (2009) معتقد است هوش اخلاقی با دو هوش اصلی درون فردی و میان فردی گاردنر و هوش معنوی مرتبط است. افراد زمانی هوش معنوی را به کار می‌برند که بخواهند از ظرفیتها و منابع معنوی برای تصمیم‌گیری‌های مهم و اندیشه در موضوعات وجودی¹ یا تلاش برای حل مسائل روزانه استفاده کنند (مونز، 1999؛ زوهر و مارشال، 2000²). هوش معنوی بیانگر مجموعه‌ای از توانایی‌ها، ظرفیتها و منابع معنوی است که کاربرت آنها در زندگی روزانه موجب افزایش انطباق‌پذیری فرد می‌شود. هوش معنوی به انسان تمامیت می‌بخشد و به او یکپارچگی و وحدت عطا می‌کند (سهرابی، 1387). در نظریه هوش اخلاقی حضرت علی (ع)، فضیلتها و مؤلفه‌های مرتبط با هوش معنوی، بُعد الهی نامیده شده است. منظور از بُعد الهی، اعمالی است که به رابطه انسان با خداوند مربوط بوده، شامل تقوای الهی، عدم دنیاگرایی، یقین، اخلاص و سپاسگزاری است.

یک (تقوای الهی)

تقوا اصطلاحی اخلاقی به معنای خویش‌داری در اطاعت از دستورات الهی و دوری از گناهان است. قرآن، تقوا را شرط نجات از آتش جهنم و قبولی اعمال دانسته که موجب نزول برکات بر شخص و رهایی او از گرفتاری‌ها در دنیا می‌شود. تقوای دینی و الهی یعنی اینکه انسان خود را از آنچه دین در زندگی معین کرده و خطا و گناه و پلیدی و زشتی شناخته شده، حفظ و صیانت کند و مرتکب آنها نشود (مطهری، 1395). تقوا درجات مختلفی دارد و ملاک برتری انسانها نزد خدا نیز همین درجات است که عبارتند از: دوری از گناهان، دوری از شبهات، دوری از امور حلال غیر ضروری و اشتغال قلب به خدا. تقوا یکی از پر تکرارترین مفاهیم نهج البلاغه است؛ تا جایی که بیش از 80 بار به آن پرداخته شده است. خطبه 193

1. Existential Matters
2. Zohar & Marshall

نهج البلاغه مشهور به خطبه همام، به اوصاف متقین اختصاص دارد. حضرت علی (ع) تقوا را حق خداوند بر انسان، سپر بلا و راه رسیدن به بهشت معرفی کرده، می‌فرماید: با تقوا، خواب خود را به بیداری تبدیل و روزتان را با آن سپری کنید، دل‌های خود را با تقوا زنده کنید و گناهان خود را با آن شستشو دهید. بیماری‌های روان و جان خود را با تقوا درمان و خود را آماده سفر آخرت گردانید، از تباہ کنندگان تقوا عبرت‌گیرید و خود عبرت‌پرهیز گاران نشوید. آگاه باشید! تقوا را حفظ و خویشتن را با تقوا حفظ کنید. تقوای الهی منشأ تمام فضیلت‌های اخلاقی است که دال‌سگارد، پیترسون و سلیگمن با عنوان فضیلت اعتدال. احتیاط و کنترل خود مطرح کرده‌اند.

دو) عدم دنیاگرایی

دنیاگرایی سرچشمه رذایل اخلاقی است. دنیا به خودی خود، به لحاظ نسبت آن به حضرت حق، سراسر حق است؛ بنابر این، مذموم نیست؛ اما از جهت نسبت آن به بشر، متناسب با نگرش و استفاده انسان، گاه پسندیده (دنیاداری) و گاه ناپسند (دنیاگرایی) است. حضرت علی (ع) در رابطه با عدم تعلق به دنیا می‌فرماید: من اگر می‌خواستم، می‌توانستم از عسل پاک و از مغز گندم و بافته‌های ابریشم، برای خود غذا و لباس فراهم آورم، اما هیئات که هوای نفس بر من چیره شود و حرص و طمع مرا وادارد که طعام‌های لذیذ برگزینم (نامه 45). همچنین در کلامی دیگر می‌فرماید: ای دنیا! از من دور شو، مهارت را بر پشت تو نهاده، از چنگال‌های تو رهایی یافتم و از دام‌های تو نجات یافته، از لغزشگاه‌های دوری گزیده‌ام (مان). ای دنیا! به خدا سوگند! اگر شخصی دیدنی بودی و قالب حس کردنی داشتی، حدود خدا را بر تو جاری می‌کردم، به جهت بندگانی که آنها را با آرزوهای فریب دادی و ملت‌هایی که آنها را به هلاکت افکندی و قدرتمندانی که آنها را تسلیم نابودی کردی و هدف انواع بلاها قراردادی که دیگر راه پس و پیش ندارند (مان). در رابطه با عواقب روان‌شناختی دنیاگرایی می‌فرماید: آن کس که قلب او با دنیا پرستی پیوند خورد، همواره جان‌ش گرفتار سه مشکل است: اندوهی رها نشدنی، حرصی جدا نشدنی و آرزویی نایافتنی (حکمت 228). به خدا سوگند! این دنیای شما که به انواع حرام آلوده است، در دیده من از استخوان خوکی که در دست بیماری جذامی باشد، پست‌تر است! (حکمت 236). حضرت (ع) دنیا را برای رسیدن به آخرت می‌دانند، نه برای رسیدن به خود (حکمت 463) و معتقدند که به دنیا آرامش یافتن در حالی که ناپایداری آن مشاهده می‌شود، از نادانی است (حکمت 384). در کلام علی (ع)، عدم وابستگی انسان به دنیای مادی و فانی پیش شرط متخلق شدن به مؤلفه‌ها و اصول هوش اخلاقی است. نگرش دنیاگرایانه اغلب سبب ترویج ارزش‌های دنیاگرایانه و در نهایت رفتار دنیاگرایانه از قبیل سرکشی و طغیان، عدم احسان، عدم انفاق، شادی‌های سرمستانه، عدم پندپذیری از ناصحان، خودخواهی و انجام رفتارهای غرور‌آمیز خواهد شد. همه این‌گونه رفتارها مغایر با هوش اخلاقی و روحیه دیگرخواهی است. عدم دنیاگرایی و عدم وابستگی به دنیا موجب رشد شجاعت، عدالت، انسانیت، اعتدال، خردورزی، و شفافیت است که دال‌سگارد، پیترسون و سلیگمن مطرح کرده‌اند.

557 ◆ بررسی تطبیقی نظریه هوش اخلاقی حضرت علی (ع) در نهج البلاغه با نظریه ...

همچنین اصول هوش اخلاقی لنینک و کیل نیز از قبیل صداقت، مسئولیت پذیری، دلسوزی و بخشش، متأثر از فضیلت عدم وابستگی به دنیا است.

سه) یقین

یقین عبارت است از اعتقاد ثابت و قطعی انسان به امری که مطابق با واقع بوده و با هیچ شبهه‌ای، هر قدر هم قوی، قابل زوال نباشد. یقین در دین به منزله سرمایه است و ایمان متوقف بر آن است. به مرحله عالی ایمان، یقین گفته می‌شود (مکارم شیرازی، 1374). از نظر حضرت علی (ع)، ایمان بر چهار پایه استوار است: صبر، یقین، عدل و جهاد. یقین نیز بر چهار پایه استوار است: بینش زیرکانه، دریافت حکیمانه واقعیتها، پند گرفتن از حوادث روزگار و پیمودن راه درست پیشینیان. پس آن کس که هوشمندانه به واقعیتها نگریست، حکمت را آشکارا می‌بیند و آن که حکمت را آشکارا دید، عبرت‌آموزی را شناسد و آن که عبرت‌آموزی شناخت، گویا چنان است که با گذشتگان می‌زیسته است (حکمت 31). از نظر آن امام همام، خوابیدن همراه با یقین، برتر از نماز گزاردن با شک و تردید است (حکمت 97). ایشان می‌فرمایند: اسلام همان تسلیم در برابر خدا و تسلیم، همان یقین داشتن و یقین، اعتقاد راستین و باور راستین، همان اقرار درست و اقرار درست، انجام مسئولیتها، و انجام مسئولیتها، همان عمل کردن به احکام دین است (حکمت 125). این کلام گهربار و پرمحتوای حضرت در خصوص یقین، با تعریف هوش اخلاقی مطابقت دارد. با وجود اهمیتی که یقین در اخلاق انسان دارد، ولی در نظریه دالسگارد، پیترسون و سلیگمن و لنینک و کیل، توجهی به آن نشده است.

چهار) اخلاص

اخلاص به معنای پاک کردن نیت از غیر خدا و انجام دادن عمل تنها برای خداست. اخلاص در فقه به عنوان رکن اصلی نیت مطرح شده است. در اخلاق، به نیت اهمیت ویژه‌ای داده شده و از آن به صورت رکن و پایه رفتار و روح عمل یاد شده است؛ به گونه‌ای که نبودن نیت درست باعث بی‌ارزش شدن عمل می‌شود (مکارم شیرازی، 1385). امام علی (ع) در فرازی از خطبه اول نهج البلاغه درباره اخلاص می‌فرماید: «و کمال توحید خداوند، اخلاص برای اوست». در کلامی دیگر می‌فرماید: خدا رحمت کند کسی را که از گناهان خود بترسد، خالصانه گام بردارد و عمل نیکو انجام دهد (خطبه 76). همچنین درباره اهمیت اخلاص در اعمال انسان می‌فرماید: خدای سبحان اراده فرمود که پیروی از پیامبران، تصدیق کتب آسمانی، فروتنی در عبادت، تسلیم در برابر فرمان خدا و اطاعت محض فرمانبرداری، با نیت خالص، تنها برای خدا صورت پذیرد و اهداف غیر خدایی در آن راه نیابد (خطبه 192). حضرت طی نامه‌ای خطاب به فرزندش امام حسن (ع) می‌فرماید: در دعا، با اخلاص پروردگارت را بخوان، که بخشیدن و محروم کردن به دست اوست و فراوان از خدا درخواست خیر و نیکی داشته باش (نامه 31). اخلاص علم را به قلب انسان هدیه می‌کند و چشم انسان را به نور حقیقت می‌گشاید. آثار اخلاص برآورده شدن حاجت دنیایی و بصیرت و حکمت، موفقیت در کارها کفایت امر و درمانده نشدن در کارهاست. ارتباط خالصانه انسان با خدا، نورانیت ضمیر و صفای

باطن و بصیرتی به همراه دارد که انسان را در مشکلات و پیچ و خم‌های زندگی، هدایت می‌کند. اخلاص پایه‌ی اساسی همه‌ی فضایل اخلاقی است؛ در حالی که دالسگارد، پیترسون و سلیگمن و لنینک و کیل به آن اشاره نکرده‌اند.

پنج) سپاسگزاری

شکر و سپاس به عنوان فضیلتی اخلاقی مورد تأیید و تأکید عقل است. هر انسانی به حکم عقل به این نتیجه می‌رسد که می‌بایست در برابر افرادی که به گونه‌ای کاری یا نعمتی را به وی می‌دهند شکر کند. شکر در لغت به معنای شناخت احسان و نیکوکاری و انتشار آن است و در اصطلاح، به معنای یادآوری و شناخت نعمتهای خدا و اظهار قلبی و زبانی و عملی آنهاست (راغب اصفهانی، 1383). در زبان فارسی، اغلب کلمه‌ی «سپاسگزاری» معادل «شکر» انگاشته می‌شود. در اصطلاح علم اخلاق، شکر را شناختن نعمت از منعم و شاد شدن به آن و صرف کردن آن در راهی که منعم به آن راضی و خشنود می‌شود، دانسته‌اند. از این تعریف، معلوم می‌شود که شکر، یکی از برترین اعمال انسانی و دارای فضیلت بسیار است. امام علی (ع) شکرگزاری را زینت بی‌نیازی (حکمت 68) و موجب فزونی نعمتها معرفی می‌کنند (حکمت 135). همچنین ناسپاسی را موجب دوری نعمتها می‌دانند (حکمت 13). درباره‌ی فلسفه شکرگزاری می‌فرمایند: اگر تا پایان دنیا زنده باشید و تا آنجا که می‌توانید در اطاعت از فرمان حق بکوشید، در برابر نعمتهای بزرگ پروردگار، به خصوص نعمت ایمان، ناچیز است (خطبه 52). حضرت در اوصاف متقین می‌فرمایند: متقین روز را به شب می‌رسانند با سپاسگزاری، و با یاد خدا شب را به روز می‌آورند (خطبه 193). همچنین توصیه می‌فرمایند: اگر بر دشمن دست یافتی، بخشیدن او را، شکرانه‌ی پیروزی قرار ده (حکمت 11) و مانند کسی مباش که از آنچه به او رسید، شکر گزار نیست (حکمت 150). تشکر و سپاس می‌تواند به صورتهای گوناگون انجام پذیرد. کمترین حالت آن است که شخص به زبان، سپاس خود را ابراز دارد. شکر به معنای استفاده‌ی درست از نعمت نیز گونه‌ای دیگر از سپاس است که بالاتر از شکر زبانی است. سپاسگزاری در قالب فضیلت شفافیت در نظریه‌ی دالسگارد، پیترسون و سلیگمن اشاره شده است.

2. بُعد درون‌فردی هوش اخلاقی

هوش اخلاقی با هوش درون‌فردی گاردنر مرتبط است. وی از هوش درون‌فردی به توانایی انسان در شناخت و درک عمیق از حالات، احساسات و افکار خودش تعبیر می‌کند. به این ترتیب، افراد دارای هوش درون‌فردی بالا، نسبت به درون و آنچه در دل دارند، آگاهی زیادی دارند. با عنایت به این ارتباط، بُعد دوم هوش اخلاقی حضرت علی (ع)، بُعد درون‌فردی نامگذاری شده است. منظور از بُعد درون‌فردی هوش اخلاقی، اعمالی است که به خود شخص مربوط می‌شود و در انجام دادن آنها رابطه‌ی انسان با خودش مد نظر بوده، که شامل خردورزی، تواضع و فروتنی، عفت و حیا، صداقت و صبر است.

1. خردورزی

در بین ادیان زنده جهان، هیچ یک به اندازه اسلام و اولیای آن، در باب خردورزی سخن نگفته‌اند. از ویژگی‌های بارز معارف اسلامی، دعوت همگان به تعقل و تفکر و پرهیز از خمود عقلی و جمود فکری است. تنها در قرآن کریم بیش از 300 آیه در ستایش خردورزی و سفارش به تفکر و تدبیر وجود دارد. در نهج البلاغه بیش از 50 بار به خردورزی اشاره شده است. حضرت علی(ع) ارزشمندترین بی‌نیازی را عقل و بزرگ‌ترین فقر را بی‌خردی می‌دانند (حکمت 38) و می‌فرمایند: هیچ ثروتی چون عقل و هیچ فقری چون نادانی نیست (حکمت 54). در کلامی دیگر می‌فرمایند: ارزش هر کس به مقدار دانایی و تخصص اوست (حکمت 81) و دانایان را شبیه‌ترین افراد به پیامبران معرفی می‌کنند (حکمت 96). البته معتقدند که دانش باید در اعمال و رفتار انسان تأثیرگذار باشد و می‌فرمایند: بی‌ارزش‌ترین دانش، دانشی است که بر سر زبان است و برترین علم، علمی است که در اعضا و جوارح آشکار است (حکمت 92). بوربا (2005) هوش اخلاقی را توانایی تشخیص درست از نادرست تعریف می‌کند. حضرت علی(ع) لازمه این تشخیص را خردورزی و استقبال از اندیشه‌های مختلف معرفی کرده، می‌فرمایند: آن کس که از افکار و آرای گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا خوب شناسد (حکمت 173). همچنین لازمه سلامت روان را خردورزی دانسته، می‌فرمایند: حاصل کوفه‌فکری، پشیمانی و حاصل دوراندیشی، سلامت است. (حکمت 181)

خردورزی یکی از فضیلت‌های اساسی است که دالسگارد، پیترسون و سلیگمن ارائه کرده‌اند. آنان خردورزی را شامل توانایی‌های شناخت، مانند خلاقیت و کنجکاوی و قضاوت و روشن‌بینی می‌دانند.

2. تواضع و فروتنی

تواضع به معنای فروتنی و ضد آن تکبر و خودپسندی است. تواضع یکی از صفات و نشانه‌های بارز انسان مؤمن شمرده شده است که باعث تعالی و بالا رفتن مقامات او می‌شود. تواضع عبارت است از شکسته‌نفسی که نگذارد آدمی خود را بالاتر از دیگری ببیند و لازمه آن، کردار و گفتاری است که دلالت بر تعظیم دیگران و اکرام ایشان دارد (نراقی، 1386). حضرت علی(ع) خطاب به مالک اشتر می‌فرمایند: خود بزرگ‌بینی، دل را فاسد و دین را پژمرده و موجب زوال نعمتهاست. اگر با مقام و قدرتی که داری، دچار تکبر یا خودبزرگ‌بینی شوی، به بزرگی حکومت پروردگار که برتر از حکومت توست بنگر، که تو را از آن سرکشی نجات می‌دهد و تندروی تو را فرو می‌نشاند و عقل و اندیشه‌ات را به جایگاه اصلی بازمی‌گرداند (نامه 53). همچنین خودپسندی را مانع رشد و فزونی (حکمت 167)، یکی از حسودان عقل (حکمت 212) و ترسناک‌ترین تنهایی (حکمت 38) معرفی می‌کنند. امام علی(ع) نماز را راه مبارزه با خودپسندی معرفی کرده، می‌فرمایند: خداوند نماز را برای پاک بودن از کبر و خودپسندی واجب کرد (حکمت 252). خداوند بندگانش را با نماز و زکات و تلاش در روزه‌داری در روزهایی که واجب شده، حفظ کرده است تا دیدگانشان خاشع و جان و روانشان فروتن و دلهايشان متواضع باشد و کبر و خودپسندی از آنان رخت برنهد؛ چرا که

در سجده، بهترین جای صورت را به خاک مالیدن، فروتنی آورد و گذاردن اعضای پرارزش بدن بر زمین، اظهار کوچکی کردن است. روزه گرفتن و چسبیدن شکم به پشت، عامل فروتنی است. به آثار عبادات بنگرید که چگونه شاخه‌های درخت تکبر را در هم می‌شکنند و از روییدن کبر و خودپرستی جلوگیری می‌کند. (خطبه 192)

تواضع و فروتنی یکی از فضیلت‌های اخلاقی است که زیربنای سایر فضایل اخلاقی از قبیل محبت نیز محسوب می‌شود. بر این فضیلت با عنوان اعتدال، گذشت و فروتنی توسط دالسگارد، پیترسون و سلیگمن تأکید شده است.

سه) حیا و عفت

حیا که در زبان فارسی از آن به شرم و آزر می‌تعبیر می‌شود، حالت نفسانی است که در انسان به طور طبیعی و فطری وجود دارد و نیازمند حفظ و تقویت است. عفت که در زبان فارسی از آن به پاکدامنی تعبیر می‌شود، نتیجه و ثمره حیا و مرتبه‌ای روحی و روانی در آدمی است. راغب اصفهانی (1383) در «مفردات الفاظ القرآن الکریم»، «عفت» را به معنای پدید آمدن حالتی در نفس دانسته که آدمی را از غلبه شهوت باز می‌دارد و «عفیف» به کسی گفته می‌شود که دارای این وصف و حالت باشد. حضرت علی (ع) عفت ورزیدن را زینت فقر و پاکدامنی را زیور تهیدستی (حکمت 340) معرفی می‌کنند (حکمت 68). همچنین می‌فرمایند: ایمانی چون حیا و صبر نیست (حکمت 113). آن کس که لباس حیا بپوشد، کسی عیب او را نبیند (حکمت 223). در رابطه با آثار نقصان حیا می‌فرمایند: هر کس که بسیار اشتباه کرد، شرم و حیای او اندک است و آن که شرم او اندک، پرهیزگاری او نیز اندک خواهد بود و کسی که پرهیزگاری او اندک است، دلش مرده و آن که دلش مرده باشد، در آتش جهنم سقوط خواهد کرد (حکمت 349). نتیجه منطقی عفت و حیا، کنترل و وابستگی افراد به همدیگر و سازگاری بیشتر با هم است که بوریا از آن با عنوان همدلی یاد می‌کند. اسلام به مسئله شرم و حیا به عنوان صفت و فضیلت انسانی اشاره می‌کند و از انسانها می‌خواهد که مردمانی خوددار از ارتکاب زشتی‌ها و قبايح باشند. بی‌گمان مسئله حیا و شرم یکی از مباحث مهم اجتماعی است که بازخوانی نگرش حضرت علی (ع) به آن می‌تواند در هوش اخلاقی، رفتار و منش انسان بسیار تأثیرگذار باشد. با وجود اهمیتی که این فضیلت در شخصیت و رفتار انسان دارد، ولی مورد توجه دالسگارد، پیترسون و سلیگمن، لنیک و کیل قرار نگرفته است.

4. صداقت

صداقت و راستی از خصوصیات عالی اخلاق است که در آموزه‌های اسلامی نیز از زمینه‌های اساسی ارجمندی و نیکبختی انسان شناخته شده است. واژه صداقت از «صدق» در اصل به این معناست که گفتار یا خبری که داده می‌شود، مطابق خارج باشد و کسی را که خبرش مطابق با واقع و خارج باشد، «صادق» و

بررسی تطبیقی نظریه هوش اخلاقی حضرت علی(ع) در نهج البلاغه با نظریه ... ♦ 561

«راستگو» می‌گویند (راغب اصفهانی، 1383). صداقت و راستگویی از بزرگ‌ترین فضایل اخلاقی است که در تعالیم و آموزه‌های دینی جایگاه ویژه دارد و در قرآن و روایات فراوان به آن سفارش شده است. از نظر لنینک و کیل (2006)، صداقت یعنی ایجاد هماهنگی بین آنچه به آن باور داریم و آنچه به آن عمل می‌کنیم؛ انجام آنچه می‌دانیم درست است و گفتن حرف راست در تمام زمانها. کسی که هوش اخلاقی بالایی دارد، به شیوه‌ای که با اصول و عقایدش سازگار باشد، عمل می‌کند. حضرت علی(ع) صداقت و راستی را سپری محکم و نگهدارنده معرفی کرده (خطبه 41)، راستی را از صفات متقین و پروا پیشگان می‌داند (خطبه 193). همچنین می‌فرماید: نشانه ایمان آن است که راست بگویی، آنگاه که تو را زیان رساند و دروغ نگویی، زمانی که به تو سود رساند و آنکه بیش از مقدار عمل، سخن نگویی و چون از دیگران سخن گویی، از خدا بترسی (حکمت 458). در کلامی دیگر، راستگو را در راه نجات و بزرگواری و دروغگو را بر لب پرنگاه هلاکت و خواری می‌داند (خطبه 86) و به رهبران توصیه می‌کند که: رهبر جامعه باید با مردم به راستی سخن گوید و پراکندگی مردم را به وحدت تبدیل کند و اندیشه خود را برای پذیرفتن حق آماده گرداند (خطبه 108). باید امام و راهنما به مردم راست بگوید و راه خرد پیماید. (خطبه 154)

یکی از فضیلت‌های اخلاقی که نقش بسزایی در سازندگی، پیشرفت و تعالی انسان دارد، صداقت در گفتار، رفتار و پندار است. گشوده شدن دریچه‌های کمال و بهروزی به روی جامعه بشری، تنها با استوار کردن پایه صداقت فراهم می‌شود. این فضیلت با عنوان شجاعت، صحت و صداقت توسط دالسگارد، پیترسون و سلیگمن و با عنوان صداقت و درستکاری توسط لنینک و کیل ارائه و به آن توجه شده است.

پنج) صبر و شکیبایی

در فرهنگ اخلاقی، صبر عبارت است از وادار کردن نفس به انجام آنچه عقل و شرع اقتضا می‌کنند و بازداشتن از آنچه عقل و شرع نهی می‌کنند (راغب اصفهانی، 1383). با توجه به تعریف مذکور، «صبر» یک صفت نفسانی بازدارنده و عامی است که دارای دو جهت عمده است: از یک سو گرایشها و تمایلات غریزی و نفسانی انسان را حبس و در قلمرو عقل و شرع محدود می‌کند و از سوی دیگر، نفس را از مسئولیت‌گریزی در برابر عقل و شرع باز داشته، آن را وادار می‌کند که زحمت و دشواری پابندی به وظایف الهی را بر خود هموار سازد. صبر و شکیبایی بیش از 60 بار در کلام امیر مؤمنان در نهج البلاغه آمده است. حضرت علی(ع) صبر را یکی از پایه‌های ایمان معرفی کرده، می‌فرماید: ایمان بر چهار پایه استوار است: صبر، یقین، عدل و جهاد. صبر نیز بر چهار پایه قرار دارد: شوق، هراس، زهد و انتظار. آن کس که اشتیاق بهشت دارد، شهوت‌هایش کاستی گیرد و آن کس که از آتش جهنم می‌ترسد، از حرام دوری می‌گزیند و آن کس که در دنیا زهد می‌ورزد، مصیبت‌ها را ساده پندارد و آن کس که مرگ را انتظار می‌کشد، در نیکی‌ها شتاب می‌کند (حکمت 31). حضرت در اوصاف متقین می‌فرماید: پرهیزکاران در روزگار کوتاه دنیا، صبر کرده تا آسایش جاودانه قیامت را به دست آورند (خطبه 193). پرهیزگاران در روز، دانشمندانی بُردبار و نیکوکارانی با

تقواینده (خطبه 193). حضرت علی (ع) بردباری را پرده‌ای پوشاننده کمبودهای اخلاقی (حکمت 424)، خویشاوندی (حکمت 418)، از نشانه‌های مؤمن (حکمت 333)، دهان‌بند بی‌خردان (حکمت 211)، ابزار ریاست (حکمت 176)، گورستان پوشاننده عیبها (حکمت 6) و مایه عزت (حکمت 113) معرفی کرده، می‌فرماید: بر شما باد به شکیبایی، که شکیبایی، ایمان را چون سر است بر بدن و ایمان بدون شکیبایی چونان بدن بی سر، ارزشی ندارد (حکمت 82). بردباری با عنوان شجاعت، دلاوری و ایستادگی توسط دالسگارد، پیترسون و سلیگمن به عنوان فضیلت اخلاقی مشترک بین ادیان ارائه شده است.

3. بُعد برون‌فردی هوش اخلاقی

هوش اخلاقی با هوش برون‌فردی گاردنر نیز مرتبط است. وی از هوش برون‌فردی به توانایی ارتباط برقرار کردن و فهم دیگران تعبیر می‌کند. افراد دارای هوش برون‌فردی بالا سعی می‌کنند موضوعات را از دیدگاه افراد دیگر ببینند تا بفهمند آنان چگونه می‌اندیشند و احساس می‌کنند. آنان معمولاً توانایی خارق‌العاده‌ای در درک احساسات، مقاصد و انگیزه‌ها دارند. با عنایت به این ارتباط، بُعد سوم هوش اخلاقی حضرت علی (ع)، بعد برون‌فردی نامگذاری شده است. منظور از بُعد برون‌فردی هوش اخلاقی، اعمالی است که محور اصلی آنها ارتباط انسان با دیگران است و از معاشرت با دیگران و زندگی اجتماعی پدید می‌آیند که شامل محبت و احترام، همدلی، عدالت و انصاف، ایثار و از خودگذشتگی، بخشش و وفای به عهد است.

یک) محبت و احترام

محبت در لغت، به معنای دوست داشتن و علاقه‌مندی و در اصطلاح عرفان عملی، سرور و لذت ناشی از جذب در کمال و جمال حقیقی است. این کشش درونی، دارای شدت و ضعف است که در مرتبه ضعیف، همان ارادت است. در مرتبه بعد، شوق خوانده می‌شود و در مرتبه قوی‌تر به آن محبت گفته‌اند. اگر محبت و علاقه‌مندی به شدت برسد، به آن عشق گویند (حسین‌زاده، 1384). کلام امام علی (ع) سرشار از محبت و مهربانی و دلسوزی است و این مفهوم در بیش از 60 عبارت، مورد توجه حضرت قرار گرفته است؛ از جمله می‌فرماید: همانا مؤمنان مهربانند (خطبه 152). یکی از نشانه‌های پرهیزگار این است که او را این‌گونه می‌بینی؛ در دینداری نیرومند، نرم‌خو و دوراندیش است (خطبه 193). پرهیزگار از سخن زشت، دور و گفتارش نرم، بدی‌های او پنهان و کار نیکش آشکار است. نیکی‌های او به همه رسیده، آزار او به کسی نمی‌رسد (همان). امام (ع) در نامه‌ای به محمد بن ابی‌بکر، فرماندار مصر فرمودند: با مردم فروتن باش، نرم‌خو و مهربان باش، گشاده‌رو و خندان باش. در نگاه‌هایت و در نیم‌نگاه و خیره شدن به مردم، به تساوی رفتار کن (نامه 27). در حکومت امام علی (ع)، انسان از آن جهت که انسان است، واجد حرمت انسانی و شایسته برخورد کریمانه است. شهروندان حکومت علوی به دور از هر دین و آیین و هر گرایش و سلیقه و جدای از هر مرام و مسلکی، فقط به خاطر انسان بودن دارای حرمت و ارزش‌اند؛ لذا حضرت توصیه می‌کنند که مهربانی با مردم

بررسی تطبیقی نظریه هوش اخلاقی حضرت علی(ع) در نهج البلاغه با نظریه ... ♦ 563

را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش(نامه 53). حضرت خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: بدان ای مالک! هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد رعیت به والی، بهتر از نیکوکاری به مردم، تخفیف مالیات و عدم اجبار مردم به کاری که دوست ندارند، نیست. ... پس در کارهای آنان (نظامیان) به گونه‌ای بیندیش که والدینی مهربان درباره فرزندشان می‌اندیشند.(همان)

احترام، احساسی مثبت از ارج نهادن و اعتنا به فرد یا شی‌ای است که فرد احترام‌گذارنده آن را سزاوار احترام می‌شمارد. حرمت نهادن، نکوداشت، بزرگ داشتن، ارج نهادن و آزر، مترادفهایی برای احترام‌اند. امام علی(ع) در سیره حکومتی خویش، به احترام به دیگران وفادار بودند و کارگزاران خود را به رعایت آن سفارش می‌کردند. در اوصاف متقین می‌فرماید: فرد پرهیزگار مردم را با لقبهای زشت نمی‌خواند، همسایگان را آزار نمی‌رساند و در مصیبت‌های دیگران شاد نمی‌شود(خطبه 193). خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: به بازرگانان احترام گذار(نامه 53). همچنین توصیه می‌کند خویشاوندان را گرامی دار؛ زیرا آنان پر و بال تو هستند که با آن پرواز می‌کنی، ریشه تو هستند که به آنها باز می‌گردد و دست نیرومند تو هستند که با آن حمله می‌کنی(نامه 31). در کلامی دیگر می‌فرماید: با آن کس که تو را سخن آموخت، به درستی سخن مگو و با کسی که راه نیکو سخن گفتن به تو آموخت، لاف بلاغت مزن(حکمت 411). دالسگارد، پیترسون و سلیگمن از این مؤلفه هوش اخلاقی با عنوان انسانیت(عشق و مهرورزی) یاد کرده‌اند. لیک و کیل نیز با اصل دلسوزی و بخشش به این موضوع پرداخته‌اند.

دو) همدلی

همدلی یا هم‌احساسی، درک احساس و فهم تجربه حسی دیگران با توانایی دید از نگاه آنان و قرار دادن خود در جایگاه آنهاست. همدلی یعنی به احساسات، نیازها و تقاضاهای دیگران توجه داشتن؛ به این احساسات و نیازها و تقاضاها احترام گذاشتن و نگران آنها بودن. امام علی(ع) در نامه‌ای به فرزندش امام حسن(ع) می‌فرماید: تو را دیدم که پاره تن من، بلکه همه جان منی؛ آنگونه که اگر آسیبی به تو رسد، به من رسیده است و اگر مرگ به سراغ تو آید، زندگی مرا گرفته است. پس، کار تو را کار خود شمردم و نامه‌ای برای تو نوشتم تا تو را در سختی‌های زندگی رهنمون باشد(نامه 31). حضرت، معیار جامعی برای انتخاب رفتار مناسب و شایسته در برابر سایر برادران دینی به دست می‌دهند که انسان با به کار بستن آن می‌تواند جامعه اسلامی را به گلستان ابدی تبدیل کند و با داشتن این قاعده کلی، نیاز چندانی به تعیین مصداقها در برخوردهای اجتماعی باقی نمی‌ماند. حضرت می‌فرماید: ای پسر! نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده؛ پس آنچه برای خود دوست داری، برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران مپسند؛ ستم روا مدار، آنگونه که دوست نداری به تو ستم شود؛ نیکوکار باش، آنگونه که دوست داری به تو نیکی کنند و آنچه برای دیگران زشت می‌داری، برای خود نیز زشت بشمار و

چیزی را برای مردم رضایت بده که برای خود می‌پسندی (نامه 31). همچنین می‌فرمایند: از آنچه انجام دادنش را برای دیگران نمی‌پسندی، پرهیز. (حکمت 365)

همدلی به عنوان یک فضیلت هوش اخلاقی، مورد توجه دالسگارد، پیترسون و سلیگمن قرار نگرفته است؛ ولی لنینک و کیل (2005) آن را در قالب دلسوزی مطرح کرده‌اند. از نظر آنان، دلسوزی و توجه به دیگران دارای تأثیر متقابل است. اگر نسبت به دیگران مهربان و دلسوز باشیم، آنان نیز در زمان نیاز با ما همدردی می‌کنند و مهربان خواهند بود.

سه (عدالت و انصاف)

عدالت از موضوعاتی است که در اندیشه دینی از زوایای گوناگون به آن پرداخته شده است. از یک سو، صفتی از صفات حق تعالی معرفی شده و در علم فلسفه و کلام از آن بحث می‌شود و از سوی دیگر، در علمی مانند علم فقه و اخلاق، از ویژگی‌های فردی انسان مورد اهتمام فقها و اخلاقیون است. نقش محوری بحث از عدالت در حوزه علوم اجتماعی و سیاسی بر کسی مخفی نیست. عدالت، از بارزترین و پیچیده‌ترین مفاهیم در اندیشه بشری است که در محدوده خواسته‌های فردی و اجتماعی انسان قرار دارد. تحقق عدالت اجتماعی به این است که با هر یک از افراد جامعه طوری رفتار شود که مستحق آن است و در جایی قرار داده شود که سزاوار آن است (طباطبایی، 1386). عدالت بیش از 50 بار در نهج البلاغه مطرح شده است. از نظر امام علی (ع)، ایمان بر چهار پایه صبر، یقین، عدل و جهاد استوار است و عدل نیز بر چهار پایه برقرار است: فکری ژرف‌اندیش، دانشی عمیق و به حقیقت رسیده، داور نیکو کردن و استوار بودن در شکیبایی. پس کسی که درست اندیشید، به ژرفای دانش رسید؛ آن کس که به حقیقت دانش رسید، از چشمه زلال شریعت نوشید و کسی که شکیبیا شد، در کارش زیاده‌روی نکرده و با نیکنامی در میان مردم زندگی خواهد کرد (حکمت 31). حضرت از کارگزاران می‌خواست تا عدالت و انصاف را درباره خود، نزدیکان و دوستان به اجرا بگذارند؛ در غیر این صورت، ستم‌پیشه‌اند: با خدا و با مردم و با خویشاوندان نزدیک و با افرادی از رعیت خود که آنان را دوست داری، انصاف را رعایت کن (نامه 53). ای مالک! دوست داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق میانه‌ترین، در عدل فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد (همان). ای مالک! تو از گسترش عدالت میان مردم خشنود خواهی شد (همان). آن حضرت، عدل را همان انصاف دانسته (حکمت 231)، می‌فرمایند: بنده خوب خدا خود را به عدالت واداشته و آغاز عدالت او آنکه هوای نفس را از دل بیرون رانده است. حق را می‌شناساند و به آن عمل می‌کند (خطبه 87). از نظر امام علی (ع)، کسی که در تقسیم بیت‌المال عدالت ندارد، لیاقت رهبری ندارد؛ زیرا در اموال و ثروت آنان حیف و میل می‌کند و گروهی را بر گروهی مقدم می‌دارد (خطبه 131). برترین بندگان خدا در پیشگاه او، رهبر عادل است که خود هدایت شده و دیگران را هدایت می‌کند. بدترین مردم نزد خدا، رهبر ستمگری است که خود گمراه و مایه گمراهی دیگران است. (خطبه 164)

565 \blacklozenge بررسی تطبیقی نظریه هوش اخلاقی حضرت علی (ع) در نهج البلاغه با نظریه ...

عدالت، دومین ارزش اساسی هوش اخلاقی از دیدگاه دالسگارد، پیتسون و سلیگمن است. از نظر آنان، عدالت ارزشی است که در برگیرنده ارزشهای انصاف، رهبری، شهروندی و کارگروهی است (نیکسون، 2014). این فضیلت اساسی در اصول هوش اخلاقی لنینک و کیل مطرح نشده است.

چهار) ایثار و از خودگذشتگی

ایثار در لغت به معنی برگزیدن، عطا کردن، غرض دیگران را بر غرض خویش مقدم داشتن و منفعت غیر را بر مصلحت خود مقدم شمردن است (دمخدا، 1379). در معنی اصطلاحی، بدان معنی است که آدمی از روی قصد و نیت خیر، غیر را بر خود اختیار کند و او را بر خویش برگزیند. ایثار و دیگرگزینی، عملی متعالی و اخلاقی است. ایثار در روایات به عنوان خوی و خصلت ابرار و برگزیدگان الهی، نیکوترین احسان و اعلی مراتب ایمان شمرده شده است؛ چنانکه امیرمؤمنان (ع) فرمودند: ایثار، خوی نیکوکاران و شیوه نیکان است و در جای دیگر فرمودند: ایثار، نیکوترین احسان و بالاترین مراتب ایمان است. صدقه دادن، دارویی ثمربخش است و کردار بندگان در دنیا، فردا در پیش روی آنان جلوه گر است (حکمت 7). حضرت توصیه می کنند: از بخشش اندک، شرم مدار که محروم کردن، از آن کمتر است (حکمت 67). سخاوت آن است که تو آغاز کنی؛ زیرا آنچه با درخواست داده می شود، یا از روی شرم یا از بیم شنیدن سخن ناپسند است (حکمت 53). بهترین مؤمنان، آن بود که جان و خاندان و مال خود را در راه خدا پیشاپیش تقدیم کند؛ چه آن را که پیش فرستی، برای تو اندوخته شود و آنچه باقی گذاری، سودش به دیگران رسد (نامه 69). امام (ع) در دوره خلافت، پیش از هر وقت دیگر زاهدانه زندگی می کردند و می فرمودند: «خداوند بر پیشوایان دادگر واجب کرده است که زندگی خود را با طبقه ضعیف و کم درآمد تطبیق دهند که رنج فقر، مستمندان را ناراحت نکند» (خطبه 209).

دالسگارد، پیتسون و سلیگمن به مؤلفه و ارزش اخلاقی ایثار با عنوان اعتدال پرداخته اند. از دید آنان، مؤلفه اعتدال شامل گذشت و فروتنی و احتیاط و کنترل خود است (نیکسون، 2014). لنینک و کیل نیز به این مؤلفه با عنوان بخشش نگاه کرده، آن را چهارمین اصل هوش اخلاقی بیان کرده اند. (نیک و کیل، 2005)

پنج) عفو و بخشش

عفو در اصل به معنی «صرف نظر کردن و رها کردن» است (فرشی، 1371). انرایت و همکاران² (1998) بخشش را فرایند گذشتن از خطای دیگران می دانند که با انگیزه آرامش درونی یا بهبود روابط با خاطی یا به منظور انجام رفتاری ارزشی صورت می گیرد و دارای پیامدهای رهایی از احساس منفی نسبت به فرد خطاکار، غلبه بر رنجش حاصل از بدی و پرهیز از عصبانیت، دوری، جدایی و انتقام نسبت به فرد خطاکار است. بخشش و عفو موجب سلامت روانی و جسمانی، آرامش و آسایش، محبت، امنیت، جذب افراد به دین و مؤثر در

1. Nixon

2. Enright, Freedman & Rique

تربیت کودکان است (ایروانی، 1384). امام علی (ع) در نهج البلاغه درباره اهمیت بخشش می‌فرماید: احسان، همان بخشش است (حکمت 231)؛ بخشش، بیش از خویشاوندی محبت می‌آورد (حکمت 247)؛ بخشندگی، نگاهدارنده آبروست (حکمت 211)؛ با بخشش، قدر و منزلت انسان بالا می‌رود (حکمت 224). همچنین در توصیف سیمای متقین می‌فرماید: پرهیزگار، ستمکار خود را عفو می‌کند؛ به آن که محرومش ساخته، می‌بخشد و به آن کس که با او بریده، می‌پیوندد (خطبه 193). همچنین توصیه می‌کنند خشم را فرو خور که من جرعه‌ای شیرین‌تر از آن نوشیده و پایانی گوارتر از آن ندیده‌ام. با آن کس که با تو درشتی کرده، نرم باش و با دشمن خود با بخشش رفتار کن (نامه 31). ایشان می‌فرمایند: بر شما باد به پیوستن با یکدیگر و بخشش همدیگر. مبادا از هم روی گردانید و پیوند دوستی را از بین ببرید (نامه 47). امام علی (ع) خطاب به مالک فرمودند: اگر گناهی از مردم سر می‌زند یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود، یا اشتباهی مرتکب می‌شوند، آنان را بیخشی و بر آنان آسان گیر. ای مالک! بر بخشش دیگران پشیمان مباش و از کیفر کردن، شادی مکن. (نامه 53)

دالسگارد، پیترسون و سلیگمن به مؤلفه اخلاقی عفو و بخشش نیز با عنوان اعتدال پرداخته‌اند. از دید آنان، فضیلت اعتدال شامل گذشت و فروتنی و احتیاط و کنترل خود است (یکسون، 2014). لنیک و کیل نیز ضمن توجه به این مؤلفه با عنوان بخشش، آن را چهارمین اصل هوش اخلاقی بیان کرده‌اند. (نیک و کیل، 2005)

شش) وفای به عهد

پای‌بندی به عهد و پیمان یک اصل جهانی است و از فضایل به شمار می‌رود. تمام افراد بشر، از هر قاره و اقلیمی، به این اصل ریشه‌دار و عمیق وفای به عهد، عنایت خاصی دارند و عهدشکنی را خیانت و رعایت عهد و پیمان را فضیلت می‌شمارند. وفا از ریشه «وفی» و به معنای چیزی را به تمام و کمال رساندن است. حفظ و نگهداری پی‌درپی از چیزی را نیز عهد گویند. در نتیجه، وفای به عهد بدین معناست که عهد بدون کم و کاست و مطابق وعده انجام شود (راغب اصفهانی، 1383). حضرت علی (ع) در رابطه با وفای به عهد می‌فرماید: عهد و پیمانها را پاس دارید به خصوص با وفاداران (حکمت 155). خداوند، عهد و پیمانی را که با نام او شکل می‌گیرد، با رحمت خود مایه آسایش بندگان و پناهگاه امنی برای پناه‌آوردگان قرار داده است (نامه 53). خلاف وعده عمل کردن، خشم خدا و مردم را برمی‌انگیزاند که خدای بزرگ فرمود: «دشمنی بزرگ نزد خدا آن که بگوید و عمل نکند» (همان). حال اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد شد، یا در پناه خود او را امان دادی، به عهد خویش وفادار باش و بر آنچه بر عهده گرفتی، امانتدار باش و جان خود را سپر پیمان خود گردان؛ زیرا هیچ یک از واجبات الهی همانند وفای به عهد نیست (همان). هرگز پیمان‌شکن مباش و در عهد خود خیانت مکن و دشمن را فریب مده (همان). وفای به عهد با وجود اهمیتی که در سلامت روان و بهبود روابط اجتماعی انسان دارد، در نظریه فضیلت‌های اخلاقی مشترک دالسگارد، پیترسون و سلیگمن و اصول هوش اخلاقی لنیک و کیل مورد توجه قرار نگرفته است.

4. فضیلت‌های اخلاقی مشترک ادیان از دیدگاه دالسگارد، پیترسون و سلیگمن

دالسگارد، پیترسون و سلیگمن (2005؛ نقل از نیکسون، 2014) شش فضیلت اخلاقی مشترک ذیل را از بررسی آیین‌های کنفوسیوس،¹ تائوئیسم،² بودیسم،³ هندوئیسم،⁴ فلسفه آتن،⁵ مسیحیت،⁶ یهود⁷ و اسلام⁸ به دست آورده‌اند: شجاعت⁹ (دلاوری، ایستادگی، صحت و صداقت)؛ عدالت¹⁰ (انصاف، رهبری، شهروندی و کار گروهی)؛ انسانیت¹¹ (عشق و مهرورزی)؛ اعتدال¹² (گذشت، فروتنی، احتیاط و کنترل خود)؛ خردورزی¹³ (توانایی‌های شناخت مانند خلاقیت، کنجکاوی، قضاوت و روشن‌بینی)؛ شفافیت¹⁴ (نقاط قوت مانند سپاسگزاری و امید و معنویت که باعث به وجود آمدن ارتباطات با دنیایی بزرگ‌تر می‌شوند).



نمودار 3: فضیلت‌های اخلاقی مشترک ادیان از دیدگاه دالسگارد، پیترسون و سلیگمن

1. Confucianism
2. Taoism
3. Buddhism
4. Hinduism
5. Athenian Philosophy
6. Christianity
7. Judaism
8. Islam
9. Courage
10. Justice
11. Humanity
12. Temperance
13. Wisdom
14. Transparency

5. اصول هوش اخلاقی از دیدگاه لنینک و کیل

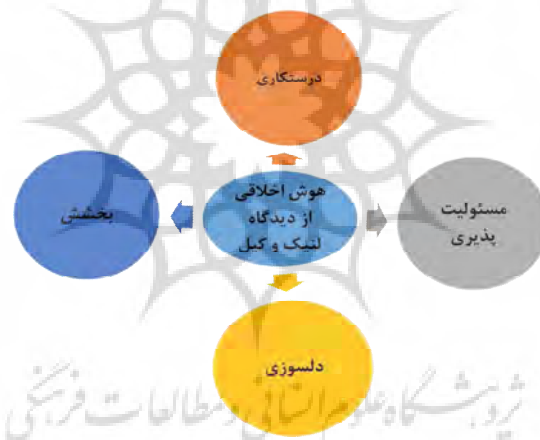
لنینک و کیل، چهار اصل هوش اخلاقی ذیل را برای موفقیت مداوم سازمانی و شخصی ضروری می‌دانند:

درستکاری؛ یعنی ایجاد هماهنگی بین آنچه به آن باور داریم و آنچه به آن عمل می‌کنیم؛ انجام آنچه می‌دانیم درست است و گفتن حرف راست در تمام زمانها. فرد دارای هوش اخلاقی بالا، به شیوه‌ای عمل می‌کند که با اصول و عقایدش سازگار باشد.

مسئولیت‌پذیری؛ فرد دارای هوش اخلاقی بالا، مسئولیت اعمال و پیامدهای آن، همچنین اشتباهات و شکستهای خود را می‌پذیرد.

دلسوزی؛ یا توجه به دیگران که دارای تأثیر متقابل است. اگر نسبت به دیگران مهربان و دلسوز باشیم، آنان نیز در زمان نیاز با ما همدردی می‌کنند و مهربان خواهند بود.

بخشش؛ آگاهی از عیوب خود و تحمل اشتباهات دیگران. (لنینک و کیل، 2005)



نمودار 4: اصول هوش اخلاقی از لنینک و کیل

د) بحث و نتیجه‌گیری

هوش اخلاقی استعداد فوق‌العاده‌ای است که ویژگی‌های مهم زندگی را در بر می‌گیرد. فضیلتها یا مؤلفه‌های هوش اخلاقی، شکیبایی اخلاقی را به انسان هدیه کرده، به او کمک می‌کنند تا از بحرانهای اخلاقی و فشارهایی که در طول زندگی به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر با آنها مواجه خواهد شد، عبور کند. هوش اخلاقی باعث افزایش تعهد و مسئولیت‌پذیری انسان شده، به بهبود کارایی فرد می‌انجامد. در این مقاله،

بررسی تطبیقی نظریه هوش اخلاقی حضرت علی(ع) در نهج البلاغه با نظریه ... ♦ 569

مفاهیم مرتبط با هوش اخلاقی از کتاب نهج البلاغه فیش برداری و احصا شده، سپس با کدبندی و دسته‌بندی داده‌ها بر حسب ویژگی‌های مشترک، روابط بین متغیرها بررسی شده است. محقق با این کار به «الگو و اصول هوش اخلاقی» دست یافته و در نهایت، نظریه هوش اخلاقی حضرت علی(ع) را ارائه نموده و آن را با نظریه فضیلت‌های اخلاقی مشترک ادیان دالساگارد، پیترسون و سلیگمن، و اصول هوش اخلاقی لنینک و کیل مقایسه کرده است. با توجه به ارتباط هوش اخلاقی با هوش درون‌فردی و برون‌فردی گاردنر و هوش معنوی، در نظریه هوش اخلاقی حضرت علی(ع) فضیلت‌ها یا مؤلفه‌های هوش اخلاقی در سه بُعد الهی، درون‌فردی و برون‌فردی ارائه شده است. در این نظریه، مؤلفه‌های مرتبط با هوش معنوی، بُعد الهی هوش اخلاقی نامیده شده است. منظور از بُعد الهی، اعمالی است که به رابطه انسان با خداوند مربوط بوده و شامل تقوای الهی، عدم دنیاگرایی، یقین، اخلاص و سپاسگزاری است. بُعد دوم هوش اخلاقی حضرت علی(ع)، بُعد درون‌فردی نامگذاری شده و منظور از آن، اعمالی است که به خود شخص مربوط می‌شود و در انجام دادن آنها رابطه انسان با خودش مد نظر است و خردورزی، تواضع و فروتنی، عفت و حیا، صداقت و صبر را شامل می‌شود. بُعد سوم هوش اخلاقی حضرت علی(ع)، بُعد برون‌فردی نامگذاری شده و منظور از آن، اعمالی است که محور اصلی آنها، ارتباط و معاشرت انسان با دیگران و زندگی اجتماعی است و محبت و احترام، همدلی، عدالت و انصاف، ایثار و از خودگذشتگی، بخشش و وفای به عهد را در بر می‌گیرد.

گفتنی است که فضیلت‌های اخلاقی مشترک ادیان از نظر دالساگارد، پیترسون و سلیگمن عبارتند از: شجاعت، عدالت، انسانیت، اعتدال، خردورزی، و شفافیت. همچنین، اصول هوش اخلاقی از نظر لنینک و کیل نیز در برگیرنده چهار اصل صداقت، مسئولیت‌پذیری، دلسوزی و بخشش است. از مؤلفه‌های بُعد الهی هوش اخلاقی، فقط فضیلت سپاسگزاری مورد توجه دالساگارد، پیترسون و سلیگمن قرار گرفته است و به فضیلت و ارزشهای تقوای الهی، عدم دنیاگرایی، یقین و اخلاص که پایه و اساس سایر ارزشها و اصول هوش اخلاقی‌اند، در دو نظریه دالساگارد، پیترسون و سلیگمن و لنینک و کیل توجهی نشده است. از مؤلفه‌های درون‌فردی هوش اخلاقی، خردورزی یکی از فضیلت‌های اساسی است که دالساگارد، پیترسون و سلیگمن ارائه کرده‌اند. آنان خردورزی را شامل توانایی‌های شناخت، مانند خلاقیت، کنجکاوی، قضاوت و روشن‌بینی می‌دانند. مؤلفه تواضع و فروتنی با عنوان اعتدال، گذشت و فروتنی؛ صداقت و بردباری با عنوان شجاعت، دلاوری، ایستادگی، صحت و صداقت توسط دالساگارد، پیترسون و سلیگمن مورد تأکید قرار گرفته‌اند. از بین این مؤلفه‌ها، تنها مؤلفه صداقت توسط لنینک و کیل ارائه و به آن توجه شده است. با وجود اهمیت حیا و عفت در شخصیت و رفتار انسان، ولی مورد توجه دالساگارد، پیترسون و سلیگمن، لنینک و کیل قرار نگرفته است.

دالساگارد، پیترسون و سلیگمن از بین مؤلفه‌های برون‌فردی هوش اخلاقی، محبت و احترام را با عنوان انسانیت(عشق و مهرورزی) مطرح کرده‌اند. لنینک و کیل نیز به این اصل با عنوان دلسوزی و بخشش

پرداخته‌اند. همدلی به عنوان یک فضیلت هوش اخلاقی، مورد توجه دالسگارد، پیترسون و سلیگمن قرار نگرفته است؛ ولی لنینک و کیل (2005) آن را در قالب دلسوزی مطرح کرده‌اند. از نظر آنان، دلسوزی و توجه به دیگران دارای تأثیر متقابل است. اگر نسبت به دیگران مهربان و دلسوز باشیم، آنان نیز در زمان نیاز با ما همدردی می‌کنند و مهربان خواهند بود.

عدالت و انصاف، دومین ارزش اساسی هوش اخلاقی از دیدگاه دالسگارد، پیترسون و سلیگمن است؛ ولی این فضیلت اساسی در اصول هوش اخلاقی لنینک و کیل مطرح نشده است. دالسگارد، پیترسون و سلیگمن به مؤلفه و ارزش اخلاقی ایثار، عفو و بخشش با عنوان اعتدال پرداخته‌اند. از دید آنان، فضیلت اعتدال، شامل گذشت و فروتنی و احتیاط و کنترل خود است (یکسون، 2014). لنینک و کیل نیز به این مؤلفه با عنوان بخشش نگاه کرده و آن را به عنوان چهارمین اصل هوش اخلاقی بیان کرده‌اند. (لنینک و کیل، 2005)

نخستین نقطه قوت این پژوهش، ارائه نظریه هوش اخلاقی مبتنی بر دیدگاه حضرت علی (ع) است که تاکنون تحقیقی در این موضوع انجام نشده است. محدودیت این پژوهش نیز تمرکز بر کتاب نهج البلاغه است. پیشنهاد می‌شود با در نظر گرفتن این محدودیت، در پژوهش‌های بعدی، سایر منابع غنی حاوی کلام حضرت علی (ع)، از قبیل غررالحکم و دررالکلم، اصول کافی و بحارالانوار بررسی شوند. همچنین پیشنهاد می‌شود نظریه هوش اخلاقی امام علی (ع)، به منظور تولید محتوای آموزشی در خصوص سبک زیست اخلاقی و ترویج مفاهیم هوش اخلاقی مبتنی بر آموزه‌های دین مبین اسلام، مورد استفاده مسئولان و برنامه‌ریزان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و دفتر تألیف کتابهای درسی وزارت آموزش و پرورش قرار گیرد.



منابع

- نهج البلاغه. رضی، سید بهاءالدوله ابونصر بن بابویه (1394). ترجمه محمد دشتی. قم: آوای قرآن.
- احمدی فراز، محمد مهدی (1391). رابطه مفاهیم دعای مکارم الاخلاق امام سجاد (ع) با بهداشت روانی. پایان نامه دکتری. تهران: دانشگاه پیام نور، دانشکده علوم انسانی.
- ارشاد حسینی، هادی؛ رحیم میردریگوندی و محمدرضا احمدی (1394). «هوش اخلاقی و آزمون اولیه آن بر اساس منابع اسلامی». اسلام و پژوهشهای روان‌شناختی، سال اول، ش 3: 26-7.
- استراوس، انسلمو و جولیت کوربین (1387). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها. ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- امیری، مجتبی و کژال دهقانی زنگنه (1392). «نظریه رهبری اخلاقی بر مبنای سیره نبوی: استراتژی نظریه داده‌بنیاد متنی». مطالعات رفتار سازمانی، سال اول، ش 4: 121-97.
- ایروانی، جواد (1384). «خاستگاه مدارا و عفو از دیدگاه قرآن و حدیث». الهیات و حقوق، ش 17: 186-151.
- بردبار، غلامرضا، نگار میرزاد و زهره فرزین فر (1394). «شناسایی و رتبه‌بندی سنج‌های هوش اخلاقی در مدیران گروه‌های آموزشی مبتنی بر نهج البلاغه (مطالعه موردی دانشگاه یزد)». مدیریت در دانشگاه اسلامی، سال چهارم، ش 1: 96-77.
- بهرامی، محمدامین؛ مریم اصمی، آزاده فاتح‌پناه، عارفه دهقانی تفتی و غلامرضا احمدی تهرانی (1391). «سطح هوش اخلاقی اعضای هیئت علمی و کارکنان دانشگاه علوم پزشکی یزد». اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره پنجم، ش 6: 88-75.
- حسین زاده، اکرم (1384). «جایگاه محبت در تکامل معنوی انسان». طوبی، ش 2: 32-27.
- حمامی لاله‌زار، یونس (1388). «بررسی صداقت در آیین یهود». همایش علمی، فرهنگی صداقت. دانشگاه تهران، دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری.
- دانایی‌فرد، حسن و سید مجتبی امامی (1386). «استراتژی پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه پردازی داده‌بنیاد». اندیشه مدیریت، سال اول، ش 2: 97-69.
- دهخدا، علی‌اکبر (1379). لغتنامه. تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (1383). مفردات الفاظ قرآن. ترجمه غلامرضا خسروی حسینی. تهران: مرتضوی.
- رحمانی‌زاد، زکیه و مینو طباطبایی (1394). «بررسی هوش اخلاقی در سبک زندگی دینی». کنگره فرهنگ و اندیشه دینی. 772-784.
- رشیدآبادی، زکیه و زینب پارسا (1393). «بررسی تطبیقی اصول هوش اخلاقی از دیدگاه میکله بوربا و خواجه نصیرالدین طوسی». نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روان‌شناسی. مرودشت، آذرماه، 9-1.
- سهرابی، فرامرز (1387). «مبانی هوش معنوی». سلامت روان، سال اول، ش 1: 18-14.

- شانظری، جعفر و فائزه زارعیان (1390). «نگاهی بر مبانی و آموزه‌های اخلاق مسیحیت». *اخلاق*، دوره دوم، ش 4: 153-18.
- طباطبایی، محمدحسین (1386). *تفسیر المیزان*. جلد 5، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی
- قرشی، سید علی اکبر (1371). *قاموس قرآن*. ج 6، قم: دارالکتب السلامیه
- ماکسول، جانسی (1387). *اصول اخلاقیات*. ترجمه مهدی قراچه‌داغی. تهران: پیکان.
- مختاری پور، مرضیه و سیدعلی سیادت (1388). «بررسی مقایسه‌ای ابعاد هوش اخلاقی از دیدگاه دانشمندان با قرآن کریم و ائمه معصومین (ع)». *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال سوم، ش 4: 97-118.
- مطهری، مرتضی (1395). *ده گفتار*. قم: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (1385). *اخلاق در قرآن*، جلد 1. قم: مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب (ع).
- مکارم شیرازی، ناصر (1374). *تفسیر نمونه*، جلد 27. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- منصوریان، یزدان (1386). «گواندد نظریه چیست و چه کاربردی دارد». *ویژه‌نامه همایش علم اطلاعات و جامعه اطلاعاتی*. اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- منطقی، محسن؛ سید امیر جوادی حسینی و رحیم میردریکوندی (1393). «هوش اخلاقی و بررسی کارکردهای آن در سازمان از منظر اسلام». *اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، سال سوم، ش 2 (پیاپی 8): 63-77.
- مهرابی، امیرحمزه؛ حسین خنیفر، علینقی امیری، حسن زارعی متین و غلامرضا جندقی (1390). «معرفی روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامی». *مدیریت فرهنگ سازمانی*، سال نهم، ش 23: 30-5.
- نراقی، ملا احمد (1386). *معراج السعاده*. قم: زهیر.
- Nahj al-Balagha. S. Razi (2015). Translation by M. Dashti. Qom: Avaya Quran Publications.
- Borba, M. (2001). *Building Moral Intelligence*. San Francisco, Jossey Bas.
- Borba, M. (2005). *The Step by Step Plan to Building Moral Intelligence*. Nurturing Kids Heart and Souls: National Educator Award, National Council of Self Esteem, Jossey Bass.
- Daft, R. (1992). *Organization Theory and Design*. New York: West Publishing Comoany.
- Emmons, R.A. (1999). *The Psychology of Ultimate Concern: Motivation and Spirituality in Personality*. New York: The Guilford Press.
- Enright, R.D.; S. Freedman & J. Rique (1998). "The Psychology of Interpersonal Forgiveness". In: R.D. Enright & J. North (Eds.). *Exploring Forgiveness* (46-62). Madison, WI: University of Wisconsin Press.
- Fawziah, K.; I.H. Al-Ammar, M. Ahmed & N. Sahari (2012). "Moral Character of Muslim Personality: Scale Validation". *Journal of Education and Practice*, 3(16): 118-128.
- Lennick, D. & F. Kiel (2005). *Moral Intelligence*. Pearson Education, Inc. Prentice.

- Lennick, D. & F. Kiel (2011). **Moral Intelligence 2.0: Enhancing Business Performance and Leadership Success in Turbulent Times**. Upper Saddle River, NJ.
- Mays, N. & G. Pope (2002). "Assessing Quality in Qualitative Research". *British Medical Journal*, Jan, I, 50-52.
- Nixon, M. (2014). "Aaron F. A Case Study in Moral Intelligence". *ASBBS Annual Conference*. Las Vegas, February, 478-492.
- Rodney, H.C. (2009). **Moral Intelligence in the Schools**. Paper Presented at the Annual Meeting of the Michigan Academy of Sciences, Arts and Letters Wayne State University, Detroit, MI, March 20.
- Sama, L.M. & V. Shoaf (2008). "Ethical Leadership for the Professions: Fostering a Moral Community". *Journal of Business Ethics*, 78: 39-46.
- Tyler, D.C. (2013). "Moral Intelligence and Public School Bullying". Retrieved From: <http://www.americanthinker.com>.
- Zohar, D. & I. Marshall (2000). **SQ: Spiritual Intelligence, the Ultimate Intelligence**. London: Bloomsbury.
- Ahmadi Faraz, M.M. (2012). **The Relationship between the Concepts of the Prayers of Imam Sajjad (AS) and the Mental Health**. PhD Thesis, Tehran: Payame Noor University, Faculty of Humanities.
- Amiri, M. & K. Dehghani Zanganeh (2013). "Moral Leadership Theory Based on the Prophet's Sons: The Strategy of the Grounded Theory". *Quarterly Journal of Organizational Behavior Studies*, Vol. 1, No. 4: 97-121.
- Bahrami, M.; M. Asami, A. Fatehpanah, A. Dehghani & G. Ahmadi (2012). "Moral Intelligence Level of Faculty Members and Employees of Yazd University of Medical Sciences". *Quarterly Journal of Ethics and Medical History*, Vol. 5, No. 6: 75-88.
- Bordbar, G.; N. Mirzad & Z. Farzinfar (2015). "Identification and Ranking of Moral Intelligence Measures of the Educational Department Managers in Nahjol-Balagheh Based (A Case Study of Yazd University)". *Quarterly Journal of Management in Islamic University*, Vol. 4, No 1: 77-96.
- Danaeifard, H. & S.M. Imami. (2007). "Qualitative Research Strategy: A Foundation for the Grounded Theory". *Management Thought Quarterly*, First Year, No. 2: 69-97.
- Dehkhoda, A. (2000). **Dictionary**. Tehran: Tehran University Publication and Printing Institute.
- Eravani, J. (2005). "The Origin of Tolerance and Amnesty from the Perspective of the Qur'an and the Hadith". *Journal of Theology and Law*, No. 17: 151-186.
- Ershad Hosseini, H.; R. Mirdarikwandi & M. Ahmadi (2015). "Moral Intelligence and its Initial Test Based on Islamic Sources". *Islamic Quarterly and Psychological Research*, First Vol, No. 3: 7-26.
- Homamei, Y. (2009). "Investigating Integrity in the Jewish Religion". *Scientific and Cultural Conferences of Honesty*. University of Tehran, Office of the High Representative of the Supreme Leader.

- Hosseinzadeh, A. (2005). **“Place of Love in the Spiritual Evolution of Man”**. *Tooba Magazine*, No. 2: 27-32.
- Makarem Shirazi, N. (2006). **Moral in the Qur'an**, Vol. 1. Qom: Alamam Ali ibn Abi Talib (AS) School.
- Makarem Shirazi, N. (1995). **Sample Commentary**. Vol. 27. Tehran: Darlkotobe Ieslameyeh.
- Mansourian, Y. (2007). **“What is Grounded theory? and What is it Used for?”**. *Special Issue of the Information Science and Information Society Congress*. Isfahan University of Isfahan.
- Manteghei, M.; S.A. Javadi & R. Mirdarikhvandi (2014). **“Moral Intelligence and its Functions in Organization from the Perspective of Islam”**. *Islamic Quarterly and Management Researches*, Third Year, No. 2 (Series 8): 63-77.
- Maxwell, J. (2008). **Morals Principles**. Translation by M. Gharacheh Daghi. Tehran: Peykan Publishing.
- Mehrabi, A.; H. Khannifar, A. Amiri, H. Zarei & G. Jandaghi (2011). **“The Introduction of Ethodology of the Grounded Theory for Islamic Research”**. *Quarterly Journal of Organizational Culture Management*, year Ninth, Issue 23: 5-30.
- Mokhtari Pour, M. & S.A. Seyyedat (2009). **“A Comparative Study of the Dimensions of Moral Intelligence from the Viewpoints of Scientists by the Holy Quran and Imams (AS)”**. *Academic-Specialized Dictionaries of Islamic Studies and Psychology*, Year 3, N. 4: 97-118.
- Motahhari, M. (2016). **Ten Speeches**. Qom: Sadra Publications.
- Naraghi, M.A. (2007). **Miraj al-Sa'adeh**. Qom: Zahir.
- Ragheb Isfahani, H.M. (2004). **Quranic Words**. Translation by H. Khosravi. Tehran: Mortazavi Publication.
- Rahmanizad, Z. & M. Tabatabai (2015). **“Investigation of Moral Intelligence in Religious Life Style”**. *Congress of Religious Culture and Thought*. 772-784.
- Rashidabadi, Z. & Z. Parsa (2014). **“A Comparative Study of the Principles of Moral Intelligence from the Viewpoint of Mikeh Borba and Khaje Nasiriddin Tusi”**. *First National Conference on Educational Sciences and Psychology*. Marvdasht, December, 1-9.
- Shanazari, J. & F. Zare'yan (2011). **“A Look at the Foundations and Teachings of Christian Morality”**. *Quarterly Journal of Ethics*, Vol. 2, Issue 4: 18-153.
- Sohrabi, F. (2008). **“The Basics of Spiritual Intelligence”**. *Quarterly Journal of Mental Health*, Year 1, No. 1: 14-18.
- Strauss, A. & J. Corbin (2008). **Principles of Qualitative Research Methodology: Basic Theory, Procedures and Practices**. Translation by B. Mohammadi. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.

